

تأثیر هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام و هزینه سود انباشته بر اجتناب مالیاتی

امید سبحانی راد، امید جلیلیان

حسابداری، علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی [کرمانشاه 054t62@iauksh.ac.ir](mailto:054t62@iauksh.ac.ir) حسابداری، علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

هدف این مطالعه تأثیر هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام و سود انباشته بر اجتناب مالیاتی است. بدین منظور دو فرضیه تدوین که در این فرضیه‌ها به ترتیب هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام و سود انباشته متغیر مستقل و اجتناب مالیاتی متغیر وابسته می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۴۸ شرکت پذیرفته شده طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ است. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی و از نظر ارتباط بین متغیرها علی است و از نظر هدف کاربردی و از لحاظ رویداد، پس‌رویدادی است. برای پردازش و آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار ایویوز و روش رگرسیون و داده‌های تابلویی و همچنین مدل اثرات ثابت استفاده شده است. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام و سود انباشته بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معناداری دارد. زمینه کاهش سود انباشته و استفاده بهینه از سود شرکت را در سرمایه‌گذاری‌های بهینه یا در زمینه افزایش توسعه کارخانه فراهم آورد، زیرا در صورت کاهش این هزینه زمینه کاهش دستکاری سود توسط مدیران کاهش و ساختار شرکت تمایل بیشتری به فعالیت‌های اجتناب از مالیات پرداخت می‌کند.

واژگان کلیدی: هزینه سرمایه، اجتناب مالیاتی، هزینه بدهی

مقدمه

با جدا شدن مالکیت و مدیریت، مدیران با سمت نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند (فاما و جنسن^۱، ۱۹۸۶). با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران، سهامداران و سایر ذی‌نفعان (از جمله دولت) ایجاد می‌شود و به‌طور بالقوه این امکان به وجود می‌آید، مدیران اقداماتی در جهت منافع خویش انجام دهند و ضرورت ندانند اقدامات انجام گرفته در جهت منافع سهامداران و سایر ذی‌نفعان باشد که به آن، مسئله نمایندگی گفته می‌شود (ایزدی‌نیا و رسائیان، ۱۳۹۲). یکی از ذی‌نفعان اصلی شرکت‌ها، دولت است که بخش عمده‌ای از منابع

درآمدی خود را از طریق وصول مالیات تأمین می‌کند. درآمد مالیاتی نقش بسزایی در تأمین هزینه‌های دولت دارد و این امکان را فراهم می‌کند دولت در راستای شکوفایی، رشد و رونق اقتصادی، سرمایه‌گذاری کند. بخش عمده مالیات‌های وصولی دولت از محل مالیات عملکرد اشخاص حقوقی تأمین می‌شود. در این راستا دولت که یکی از ذی‌نفعان شرکت‌هاست، برای تشخیص مالیات بر اظهارنامه‌های مالیاتی ای تکیه می‌کند که مؤدیان مالیاتی تنظیم و تسلیم می‌کنند (باباجانی و عبدی، ۱۳۹۲).

از طرفی دیگر، سهامداران در تصمیم‌هایی که سبب گردد میزان مالیات پرداختی توسط شرکت‌ها کاهش یابد، استقبال می‌کنند، به‌عبارت دیگر، سهامداران خواهان مدیریت مالیاتی توسط شرکت‌ها هستند. مدیریت مالیاتی به‌عنوان توانایی کاهش وجه نقد پرداختی یا پرداختی بابت مالیات تعریف می‌شود (کریستینا و تریسی^۲، ۲۰۱۴). با توجه به مدیریت مالیاتی موجب کاهش خروج وجه نقد شرکت می‌شود، از گذشته به عنوان یک ارزش برای سهامداران تلقی می‌شده است. اما در این میان مدیران فرصت‌طلبی وجود دارند که برای فرار از پرداخت مالیات دنبال سوء استفاده مالی و منافع شخصی خود هستند که این امر سبب تحمل هزینه‌هایی برای مالکان خواهد شد (باباجانی و عبدی، ۱۳۹۲).

تصمیم‌گیری مالی از مهم‌ترین موضوعات و مسائل و کارکردهای مدیریت مالی است. تصمیم‌گیری مالی فرایندی است که به انتخاب راهی کارآمد و اثربخش و در نتیجه حداکثر کردن ثروت سهامداران منتج خواهد شد. یکی از راه‌های رسیدن به هدف حداکثر کردن ثروت سهامدارها به عنوان مهمترین وظیفه مدیران مالی، اتخاذ تصمیم‌های بهینه‌ای است که موجب افزایش سودآوری شرکت می‌شود. به‌منظور افزایش ثروت سهامدارها و به‌تبع آن ارزش شرکت دو راهکار وجود دارد: افزایش عایدی حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها و کمینه نمودن هزینه‌ی سرمایه. سرمایه‌جویی است که شرکت برای تأمین مالی کسب و کار خود مورد استفاده قرار می‌دهد. سرمایه می‌تواند از سوی سرمایه‌گذارانی تأمین گردد که در سهام شرکت سرمایه‌گذاری کرده‌اند یا از جوهی که از سایرین استقراض شده است. بنابراین

2 - Christina and Tracy

1 - Fama and Jensen